

ہنام خداوند پاک و جسے
خدا ہی رسول و خدا ہی علی

کلاغ پر

حسین الب

انتشارات معتبر

۱۳۹۰

سرشناسه : الیا، حسین، ۱۳۶۳ -
عنوان و نام پدیدآور : کلاغ پر/حسین الیا.
مشخصات نشر : اهواز: معتبر، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری : ۸۰ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۷۰۰-۵۴-۳

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۳
رده بندی کنگره : ۷۹۵۳PIR / ۱۶J۱۸۱۶۷۱۳۸۹
رده بندی دیویی : ۱/۶۳۸
شماره کتابشناسی ملی : ۲۳۸۷۲۳۲



اهواز: چهارراه نادری، اول خیابان شهید سراج (منوچهری) شماره ۳۲

تلفن: ۰۶۱۱-۲۲۱۱۳۶۸ فاکس: ۰۶۱۱-۲۲۲۰۵۴۹۶

پست الکترونیکی: Moatabar_alavi@yahoo.com

نام کتاب: کلاغ پر

سروده: حسین الیا

ناشر: انتشارات معتبر (وابسته به مؤسسه فرهنگی هنری آداب)

شمارگان: ۱۰۰۰

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۷۰۰-۵۴-۳

قیمت: ۲۲۰۰ تومان

صندوق پستی شاعر: صیدون ۵۴۱۳۵-۶۳۹۴۱

Kalaghpar@yahoo.com

مقدمه

دو سه غزل از دوره‌ی یخبندان رفتنت می‌گذرد. دیگر برای همیشه در قطب چشمانم آفتابی نمی‌شوی! در ساحل آبی احساس‌های ترک خورده تمام نهنک‌های قصه که تاب دوری تو را نداشتند خودکشی کردند. تو کاری کردی که حتی خورشید قطب هم بازمستان شش ماهه‌اش نکرد.

دیگر برای تردیدهای نارنجی سلامت جوابی نخواهم داشت

باران را بیشتر دوست دارم

تو روسری‌ات را برای غریبه‌ها چتر کن

من هم - از هر چه داری -

تمام چشم‌هایم را می‌پوشم که سردم نشود.

خودت را در سپیده دم آینه‌ی حرف‌هایم پیدا کن و آن وقت کمی مرا نگاه کن:

آسمانم ماه ندارد هنوز!

نمی‌خواهم کلاه بر سر اسمت بگذارم، حرف اول سهم (هستی‌ام) را از اوٹ پدری‌ات می‌گیرم تا خیال خودت و اسمت (امن) باشد.

به یاد لحظه‌های خیس قشنگی که زیر باران از سرما به خود لرزیدیم، از لذت عشق خندیدیم و از حرف دیگران ترسیدیم.

شب یلدا تقویم را ورق بزنی، چشم‌هایت را ببند و تا هفت بشمار... روز قشنگی بود نه؟

گل‌های کاغذی هیچ وقت پژمرده نمی‌شوند، و تو خلاف این را ثابت کردی!

دیوار بخت من کوتاه و شاهزاده‌ی قصر رؤیایی‌ات بلند!

بچه که بودیم از روی نادانی سنگ می زدیم، گنجشک ها می مردند! شیشه ها می شکستند!

تاوان شیشه ها را بزرگتر هامان می دادند، تاوان گنجشک ها را جوجه های معصوم گرسنه. حالا دیگر بزرگ و عاقل شده ایم و یاد گرفته ایم که شکستن شیشه های همسایه و کشتن گنجشک های بی گناه کار بدی است.

شیشه ها را نمی شکیم، گنجشک ها را نمی کشیم، سنگ هامان را هم زمین نمی گذاریم!!! آری بزرگ شده ایم، سنگ هامان هم بزرگ شده اند و هدف هامان بزرگتر! بزرگتر شده ایم، عاقل تر شده ایم، سنگ می زنیم... نه به گنجشک ها... نه به شیشه ها!

سنگ می زنیم... سنگ می زنیم... این عادت بچگی هاست!

سنگ می زنیم، دل ها می شکنند... آدم ها می میرند!!!

شیشه ها... گنجشک ها... کار بدی است.

سنگ می زنیم، دل ها می شکنند...

بزرگتر شده ایم! عاقل تر شده ایم!...

چکیده ای از خواب های خاکستری زیر آوار مانده ام، اگر به دل مخملی تان ننشست ببخشید.

ساعت ۳:۴۵ دقیقه ی بامداد سه شنبه ۲۸ دی ماه ۱۳۸۹ - اصفهان

حسین البا

فهرست

۷	✓ مهر
۳۱	✓ آبان
۵۱	✓ آذر
۶۵	✓ کلاغ پر
۷۱	✓ آسمانه
۷۷	✓ تِهنا